



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷

## واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش‌ها و پیامدها<sup>۱</sup>

حسین مسعودنیا<sup>۲</sup>، شهروز ابراهیمی<sup>۳</sup>، حمید درج<sup>۴</sup>

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران تاثیرگذار در تحولات سوریه از ابتدای شروع بحران در این کشور با حمایت همه‌جانبه از سوریه دوست، تمام نفوذ و ظرفیت خود را برای تثبیت این حکومت بکار گرفته و در راستای حفظ و ارتقای منافع ملی خود و تقویت محور مقاومت در منطقه گام بر می‌دارد. پژوهش موجود در پی پاسخ به این سوال اصلی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه چه پیامدها و چالش‌هایی را به دنبال داشته است؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که در پی اتخاذ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه هر یک از سناریوهای محتمل در آینده بحران این کشور می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی بسیار مهمی را برای سیاست خارجی ایران و منافع منطقه‌ای آن در بر داشته باشد که این خود می‌تواند بر توان بازیگری ایران در صحنه سیاسی منطقه تأثیرگذار باشد. تحقیق پیشرو درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی، راهکارهایی برای مقابله با این چالش‌ها در چارچوب نظریه گزینش عقلایی ارائه نماید.

**واژگان کلیدی:** بحران سوریه، گزینش عقلایی، ژئوپلیتیک، منافع ملی، سیاست خارجی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: hmass2005@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (استاد مشاور پایان‌نامه)؛ رایانامه: sh.ebrahimi@aseui.ac.ir

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: hamid.dorj@gmail.com



## ۱. مقدمه

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای ذینفع و تاثیرگذار، براساس منافع و علائق خود جهت‌گیری مختلفی را در رابطه با این کشور که از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در منطقه نیز برخوردار است، اتخاذ نموده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این میان که همواره در پی ارتباط نزدیک و سازنده دو جانبه و چند جانبه با کشورهای منطقه است و حتی یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود را تعامل سازنده با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف نموده است، نسبت به بحران سوریه توجه خاصی را مبذول می‌دارد.

سوریه متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و حلقه اساسی مقاومت اسلامی در منطقه است. این کشور تنها عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود، بلکه نوع حکومت در دمشق، در معادلات آینده منطقه خاورمیانه و منافع ملی جمهوری اسلامی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و سوریه طی چهار دهه اخیر را می‌توان از باثبات‌ترین روابط میان کشورهای منطقه به شمار آورد. شواهد و مستندات حاکی از آن است که ایران از دولت اسد در مقابل مخالفین داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ایش حمایت می‌کند، زیرا سقوط دولت اسد معادلات استراتژیک در منطقه را به ضرر ایران تغییر خواهد داد. از طرفی دیگر آمریکا و متحدین استراتژیک آن در منطقه، از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از سرنگونی دولت بشار اسد و در نتیجه قطع محور اتحاد ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان حمایت می‌کنند، زیرا آنها خواهان تغییر اتحادها و ائتلاف‌های استراتژیک در منطقه به ضرر جمهوری اسلامی ایران هستند. لذا از ابتدای شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از خواسته‌های مردم، تاکید بر انجام اصلاحات، لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه و برقراری گفت‌وگوهای سوری-سوری، حمایت همه-جانبه خود را از نظام سوریه به صورت رسمی اعلام کرده است.

در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات سوریه قبل از این پژوهش، تحقیقات زیادی صورت گرفته است که در این پژوهش‌ها سیاست خارجی ایران بر اساس منافع ایدئولوژیک و یا اهداف جاه‌طلبانه منطقه‌ای ایران تبیین گردیده است، ولی در پژوهش حاضر هدف بر این مهم بوده است که این موضوع تبیین گردد که بر اساس رهیافت گزینش عقلانی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران اتخاذ یک سیاست فعال در قبال تحولات سوریه را ایجاب می‌کند که چنین سیاستی برای جمهوری اسلامی ایران از یک طرف چالش و از سوی دیگر فرصت‌هایی فراهم می‌کند.



بحران سوریه و چشم‌انداز آینده آن از جنبه‌های مختلف بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر می‌گذارد. هدف از انجام این پژوهش بیان چالش‌ها و فرصت‌هایی است که برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه ایجاد شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. پژوهش موجود با تکیه بر نظریه گزینش عقلایی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی شکل نهایی به خود خواهد گرفت.

## ۲. چارچوب نظری: نظریه گزینش عقلایی

نظریه گزینش عقلایی<sup>۵</sup> توسط اقتصاددانان سیاسی در قرن ۱۸ و به ویژه توسط آدام اسمیت و در کتاب «ثروت ملل» مطرح شد (Marshal, 1998: 209) و سپس از طریق کارهای جورج هومنز<sup>۶</sup> و پیتربلو<sup>۷</sup> مورد استفاده قرار گرفت و توسط جیمز اسکلمن<sup>۸</sup> در مطالعات جامعه‌شناسی به کار گرفته شد. نظریه گزینش عقلایی بازیگران سیاسی را به عنوان واحدهای تحلیلی در نظر می‌گیرد که رفتارهایشان را به شیوه عقلایی تنظیم می‌کنند. در این رهیافت فرض بر این است که رفتارها و تصمیمات بازیگران بر اساس شرایط محیطی، محدودیت‌های ساختاری، ارزش‌ها، انتظارات و امکانات مادی شکل می‌گیرد و بازیگران در قالب این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها، در صدد به حداکثر رساندن سود خود هستند (Razi, 1988: 689).

توجه به کنشگر فردی در نظریه گزینش عقلایی، به معنای تبیین رفتار افراد خاص بر حسب احساسات یا انگیزش‌های شخصی آنها نیست، بلکه الگوهای جمعی کنش در نظام‌های اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین منظور، غالباً فرض‌های ساده شده‌ای در مورد رفتار به کار گرفته می‌شود که از همه مهم‌تر اصل موضوعه عقلانیت است که بر اساس آن، افراد، کنشگران هدفمند در نظر گرفته می‌شوند که به دنبال بهینه‌سازی منافع خویشند. مطابق با این نظریه افراد با توجه به مجموعه‌ای از کنش‌های بالقوه، کنشی را بر می‌گزینند که برای آنها بهترین نتیجه را در بر داشته باشد. در این نظریه، فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آنها مبتنی بر شناختی است که تحت شرایط خاصی از موثرترین وسایل جهت نیل به اهداف خود برخوردارند. در جهانی که منابع کمیاب است، لازم است پیوسته وسایل مختلف برای رسیدن به اهداف مختلف و نیز انتخاب بین آنها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. اصطلاح گزینش عقلایی نیز از همین بنیان ناشی می‌شود (Wallace & Wolf, 1999: 294).

4. Rational Selection
5. George Hommenge
6. Peter blu
7. James S. Coleman



استفان والت<sup>۹</sup> به اصول عمده نظریه‌گزینش عقلایی اشاره کرده است: ۱- نظریه انتخاب عقلایی فردگرا است: به این معنا که داده‌های سیاسی و اجتماعی به عنوان محصول جمعی انتخاب افراد در نظر گرفته می‌شود ۲- نظریه‌گزینش عقلانی بر این فرض استوار است که هر بازیگر در جستجوی به حداکثر رساندن سود مورد نظرش است و بازیگران بر اساس مجموعه مشخصی از اولویت‌ها و ترتیبات معینی از انتخاب‌های ممکن، نتایجی را انتخاب خواهند کرد که بیشترین سود مورد انتظار را داشته باشد، ۳- اولویت‌های بازیگران، تابع محدودیت‌های مشخصی است و در واقع باید اولویت‌ها را بر اساس نتایجی که در بر خواهند داشت طبقه‌بندی کرد (Walt, 1999: 380-82).

شاید بتوان گفت که چون رهیافت انتخاب عقلایی در دیگر رشته‌ها ثمربخش بوده، اکنون علاقه تازه‌ای به آن در میان جامعه‌شناسان پدید آمده است. با این که در این رهیافت، تحلیل رفتار فردی و گروه‌های کوچک مهم تلقی می‌شود، موضوعات نهادی و سطح کلان نیز مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه کار بزرگ «جیمز کلمن»: بنیادهای نظریه اجتماعی در تبیین نظام‌های اجتماعی، نظریه رفتار فردی عقلانی را مورد استفاده قرار داده است (کلمن، ۱۳۸۶: ۱۸۵). در این راستا می‌توان گفت با شکل‌گیری بحران در سوریه، جمهوری اسلامی ایران سیاست حفظ منافع استراتژیک در پرتو روابط با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز گروه‌های اسلامی نظیر حزب‌الله و حماس که در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه نقش ویژه‌ای ایفا می‌نمایند، را در رویکرد سیاست خارجی دنبال نموده است و از آنجا که سوریه از جمله کشورهایی است که نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد، به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با دقت و حساسیت ویژه‌ای تحولات سوریه را دنبال نموده و به عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه‌ای، در تلاش است که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور و نیز حفظ منافع ملی و منطقه‌ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۳۸) و از سرریز شدن تحولات این کشور به مناطق همجوار خود ممانعت ورزد.

### ۳. اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، به عنوان پلی برای دستیابی به مدیترانه مورد توجه ایران قرار گرفته است که این موضوع حفظ و بهبود رابطه با دولت سوریه را توجیه می‌نماید (نجات و جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق نیز به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان

8. Stephen Walt



می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، سوریه را «بزرگترین کشور کوچک جهان» می‌نامند (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۲). سوریه عقبه مقاومت است و فروپاشی نظام سوریه یعنی قطع رابطه ایران با عقبه مقاومت در لبنان و فلسطین و نتیجه آن یعنی پیروزی آمریکا و اسرائیل بر تنها کشور عربی که همچنان به مقاومت معتقد است (نجات، ۱۳۹۳: ۷۴).

در واقع سوریه متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و حلقه اساسی مقاومت اسلامی در منطقه است. این کشور تنها عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود، بلکه نوع حکومت در دمشق، در معادلات آینده منطقه خاورمیانه و منافع ملی جمهوری اسلامی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). از منظر منافع اقتصادی نیز، در صورت حفظ و تثبیت حکومت سوریه، با توجه به روابط مستحکمی که بین ایران و عراق وجود دارد، سوریه می‌تواند مسیر مطمئنی برای انتقال نفت و گاز ایران باشد (فرزندی، ۱۳۹۱: ۲۱). حزب‌الله به عنوان سلاح استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، بنابراین از آنجا که سوریه یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی میان ایران و حزب‌الله است و تغییر حکومت در سوریه به معنای قطع این پل ارتباطی است، لذا اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. به عقیده کارشناسان، از آنجایی که سوریه در طول سال‌های گذشته «پل ارتباطی» ایران با حزب‌الله لبنان و جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین بوده، دمشق اهمیت بیشتری برای رهبران تهران پیدا کرده است (نجات، ۱۳۹۳: ۵). سوریه تنها کشور عربی است که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل است و در عمق نفوذ استراتژیک ایران قرار دارد و همچنین، پیمان صلح بارژیم صهیونیستی را امضاء نکرده است. به بیان دیگر می‌توان گفت که ایران و سوریه، اسرائیل را تهدید مشترک خود تعریف می‌کنند. سوریه برای جناح محافظه‌کار به خصوص اسرائیل به نوعی مشت ایران محسوب می‌شود (نجات و جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۰). سوریه یک بازیگر کلیدی در رقابت بین ایران و آمریکا در شرق مدیترانه است و مهمترین شریک استراتژیک ایران در طول سی سال گذشته بوده است. از زمان خروج نظامی سوریه از لبنان در سال ۲۰۰۵، مشارکت بین ایران و سوریه به طور فزاینده‌ای به نفع ایران بوده است و این کشور برای تشکیل یک موقعیت امنیتی مطلوب در لبنان، مهم باقی مانده است (Nerguizian, 2013: 20).

#### ۴. چشم‌انداز روابط ایران و سوریه

روابط میان سوریه و جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ اگرچه با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده، با این حال نقاط مشترک زیادی میان اهداف مدنظر رهبران این دو کشور وجود داشته



که حفظ روابط حسنه میان آنان را موجب گشته و در حقیقت آنها را به متحدان راهبردی منطقه‌ای تبدیل کرده است (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۲). طی دوره پیش از انقلاب اسلامی، روابط سردی میان ایران و سوریه برقرار بود. تفاوت نظام‌های سیاسی و جهت‌گیری خارجی متفاوت، مهم‌ترین علل سردی روابط دو کشور تا قبل از انقلاب اسلامی بوده است. در حالی که حکومت ایران سلطنتی و وابسته به غرب بود و رژیم صهیونیستی را نیز به رسمیت می‌شناخت، دولت سوریه کاملاً در مقابل ایران قرار داشت و این کشور دارای نظام جمهوری پارلمانی بوده و به بلوک شرق نزدیکتر بود. علاوه بر این سوریه، رژیم صهیونیستی را دشمن اصلی خود تلقی می‌کرد (نیاکویی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). بنابراین تا قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، روابط ایران و سوریه خصمانه بود، چرا که ایران در بلوک غرب قرار داشت و سوریه ایران را به عنوان نوکر آمریکا تلقی می‌کرد و به اتحاد استراتژیک ایران و آمریکا به عنوان بخشی از تسلط اسرائیل - ایران بر جهان عرب نگاه می‌کرد (Gelbart, 2010: 37).

با وقوع انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک معارض علیه آمریکا و جهان غرب قلمداد شد که این امر باعث شد که در جهان عرب، سوریه اولین کشوری باشد که دولت جدید ایران را به رسمیت بشناسد و با تعطیلی سفارت اسرائیل، سفارت فلسطین در ایران جایگزین شود (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۳۷) و آب‌های مناسبات دو کشور رو به گرمی گراید و در راستای اهداف مشترک در منطقه گام بردارند. اگرچه پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام صدور انقلاب به خارج از مرزهای ایران موجب ایجاد ترس شدید در کشورهای عربی منطقه شد (ماتسفیلد، ۱۹۹۵: ۵۷۵). اما سوریه سعی در اقناع سایر کشورهای عربی داشت و بر این مسئله تأکید داشت که اگر اسرائیل، مصر را به وسیله معاهده کمپ دیوید به سمت خود کشاند، انقلاب ایران و سقوط شاه به عنوان متحد اصلی آمریکا و اسرائیل در منطقه شکستی برای اسرائیل به شمار می‌رود (سیل، ۱۹۹۲: ۵۷۴). وقتی عراق در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، رئیس‌جمهور سوریه حافظ اسد بلافاصله این تصمیم را محکوم کرد، نه به عنوان حمله بی‌شرمانه به نزدیکترین متحدش در منطقه، بلکه با اعلام اینکه این جنگ، جنگی است اشتباه در زمانی اشتباه علیه دشمنی اشتباه که قدرت اعراب را تحلیل می‌برد، آنان را تقسیم و از تهدید رژیم صهیونیستی منحرف می‌کند (Ehteshami & Hinebus, 1997: 137). بنابراین سوریه بلافاصله به تنها متحد عربی ایران در منطقه تبدیل شد. اهمیت روابط دو کشور به گونه‌ای بود که رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۵ در ملاقات با بشار اسد، ایران و سوریه را عمق استراتژیک یکدیگر نامیدند و تأکید فرمودند که این روابط از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط کشورهای منطقه است (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۲۸). در خصوص نقش و تأثیر گذاری جمهوری اسلامی ایران در آینده سوریه نیز باید به این مهم اشاره گردد که جمهوری اسلامی



ایران باید با اتخاذ رویکردی عقلانی در جریان انتقال قدرت بعد از پایان جنگ در این کشور به گونه‌ای عمل کند که بتواند نفوذ خود در این کشور را حفظ کند و نقش مهم در بازسازی این کشور داشته باشد. لازمه رسیدن به چنین وضعیتی در عین حفظ روابط با دولت فعلی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، رایزنی با گروه‌های میانه‌رو نیز ضروری است. در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در رژیم آینده سوریه نقش و نفوذ خود در این کشور را حفظ کند. با توجه به چنین تحلیلی می‌توان تداوم نقش ایران در سوریه را از یک طرف منوط به نحوه جریان انتقال قدرت در سوریه و از سوی دیگر موفقیت دیپلماسی ایران در رفتار با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی همراه با گروه‌های مخالف دولت سوریه برای دوران انتقالی دانست. لذا به نظر می‌رسد با توجه به نقش فعلی ایران در سوریه نیروهای مخالف ایران در هر شرایطی قادر به حذف ایران از میدان سیاسی سوریه نباشند، ولی جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند که حضور ایران حداکثری بوده و به عنوان یک کنشگر فعال باقی بماند.

### ۵. چگونگی شکل‌گیری بحران سوریه: علل و زمینه‌ها

با شروع بیداری اسلامی و خیزش جنبش‌های رهایی‌بخش خاورمیانه که منجر به سقوط چندین حاکم مستبد در کشورهای اسلامی گردید، مردم سوریه هم از این حرکت بی‌نصیب نماندند. سوریه آخرین کشور از زنجیره کشورهای عربی بود که ناآرامی‌های مردمی را تجربه کرد. در حالی که در سایر کشورهای منطقه شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی، هماهنگی تظاهرات مخالفان را تسهیل می‌کرد، چندین فراخوان مشابه در سوریه نتوانست نقشی در شروع ناآرامی‌ها داشته باشد. به طوری که در بزرگترین این فراخوان‌ها جهت برگزاری تظاهرات در روز ششم در ۵ و ۴ فوریه (بهمن ۱۳۸۹) تنها گزارش‌های تأیید نشده‌ای از ناآرامی‌های کوچک در مناطق عمدتاً کردنشین شمال شرقی این کشور به گوش می‌رسید و میدانی که به عنوان محل قرار معین شده بود به مانند روزهای قبل آرام و بی‌سر و صدا به نظر می‌رسید و حتی از نیروهای امنیتی نیز خبری نبود (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). با این حال در زمانی که بسیاری از تحلیلگران سیاسی از عدم گسترش دومینوی انقلاب‌ها در خاورمیانه به سوریه در تعجب بودند، در اوایل بهار سال ۱۳۹۰ شهری کوچک در جنوب سوریه مبدأ ناآرامی در این کشور شد. جرقه جنبش در پی درگیری چند نوجوان که تحت تأثیر تصاویر تلویزیونی، روی دیوارهای شهر شعارهایی در تأیید لزوم اصلاحات نوشته بودند، زده شد. آنها توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند و عامل اصلی تشدید آشوب‌ها برخورد خشونت‌بار نیروهای امنیتی با تظاهرات مخالفان در شهر درعا بود. این تظاهرات که در اعتراض به دستگیری جوانان مذکور برگزار شده بود، منجر به کشته شدن چند تن از تظاهرکنندگان شد. پس از این ماجرا، چندین شهر دیگر از



جمله لذیقه، حماء، حمص و برخی از نواحی پیرامونی دمشق نیز شاهد ناآرامی‌های خشونت باری بودند (ظهوریان، ۱۳۹۰: ۲). با گذشت زمان دامنه اعتراضات گسترش یافت و تظاهرات و درگیری‌ها به شهرهای دیگر سوریه تسری یافت.

### ۱.۵. علل داخلی بحران

در خصوص بحران سوریه تفاسیر و دیدگاه‌های مختلفی و حتی متعارضی وجود دارد. در تحلیل ناآرامی‌های سوریه عده‌ای از تحلیلگران این ناآرامی‌ها را تنها امتداد جنبش‌های مردمی در خاور میانه و شمال آفریقا می‌دانند. در این نگاه سوریه مانند سایر کشورهای عربی و آفریقایی، گرفتار مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که مردم آن برای رهایی از این مشکلات، دست به اعتراض و مبارزه علیه رژیم بشار اسد زده‌اند (سراج، ۱۳۹۰: ۲). این کارشناسان بر این اعتقادند که معترضین برای دموکراسی فعالیت می‌کنند، خواهان حقوق سیاسی و آزادی هستند و این بزرگترین دغدغه است. شبیه آنچه که در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا رخ می‌دهد (KhoramiAssl: 2011). این سطح از تحلیل به ناآرامی‌های سوریه نگاه راهبردی ندارد و فقط متغیرهای داخلی را در تحلیل وضعیت داخلی این کشور در نظر می‌گیرد و به عوامل بیرونی این تحولات و ناآرامی‌ها توجهی نکرده و آنها را نادیده می‌گیرد. بنابراین این عده از تحلیلگران چنین فرآیندی را ناشی از تنوع گروه‌های اجتماعی در سوریه می‌دانند. آنان در تحلیل خود، رویکرد مبتنی بر اقتدارگرایی سیاسی دولت سوریه را عامل اصلی بحران می‌دانند (متقی، ۱۳۹۰: ۹).

### ۲.۵. علل خارجی بحران

مداخله خارجی در تحولات سوریه در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قابل تحلیل است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، حوادث سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبعی خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و منبعی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است (Baroud, 2011: 212). بر اساس این استدلال، سوریه همچنان قربانی می‌شود، نه تنها در درگیری‌های خشونت‌آمیز با ارتش بلکه با سیاست‌های مختلف بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی (Baroud: 2011: 23). به نظر می‌رسد اگرچه سوریه از مشکلات فراوان و جدی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی رنج می‌برد، اما ناآرامی‌های این کشور از جنس و جوهره‌ی خیزش‌های مردمی و بیداری اسلامی نیست، بلکه پیچیدگی و تشدید بحران در این کشور تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی است که هدفی جز تضعیف مقاومت اسلامی و مهار ایران را دنبال نمی‌کند (نجات و جعفریولدانی، ۱۳۹۲: ۳۳).



سوریه از جمله کشورهای است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست موجب شکل‌گیری نوعی رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی برای تأثیرگذاری، کسب منافع و مدیریت بحران در این کشور شده است. در واقع یکی از عوامل اصلی صف‌بندی نیروهای خارجی در سوریه، ژئوپلیتیک این کشور می‌باشد. ژئوپلیتیک این کشور باعث برانگیخته شدن حس رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است (نجات و جعفریولدانی، ۱۳۹۲: ۳۴) که با حضور و مداخله خود در تحولات سیاسی سوریه در راستای تأمین منافع خود و متحدان اقدام می‌کنند و بر پیچیدگی هرچه بیشتر اوضاع در این کشور می‌افزایند.

## ۶. رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه

از زمان شکل‌گیری بحران سوریه بازیگران مختلف در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حال نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری در جهت اهداف و منافع ملی خود هستند. جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران مهم در بحران سوریه و قدرتمندترین حامی منطقه‌ای سوریه به شمار می‌رود. به جرأت می‌توان گفت تا بدین جا حمایت‌های ایران از سوریه موجب شده است که دولت بشار اسد بتواند در برابر فشارهای همه‌جانبه غرب و بسیاری از کشورهای عربی و همچنین ترکیه مقاومت کند (نجات و جعفریولدانی، ۱۳۹۲: ۳۹). سقوط نظام حاکم سوریه به هر طریقی، علاوه بر از دست دادن متحد راهبردی و پاره شدن هلال شیعی، توازن قوای فعلی ایران را به هم خواهد زد و معادلات منطقه‌ای را به نفع عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی آن رقم می‌زند. بنابراین ایران در کنار تقویت جایگاه حکومت سوریه به منظور جلوگیری از این اتفاق ناخوشایند، برای برقراری روابط صمیمانه با کشورهای انقلاب کرده، در صدد دستیابی به نفوذ معنوی با هدف کسب اقتدار در منطقه است (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۶) به گونه‌ای که از این طریق بتواند الگوی حکومتی خود را به کشورهای تحویل‌پذیر منطقه صادر نماید. محدود کردن نفوذ آمریکا و به طور کلی غرب در منطقه و جلوگیری از روی کار آمدن دولت تحت نفوذ آنان در کشوری که متحد ایران است، یکی از مهمترین دغدغه‌های ایران در مورد سوریه است. به همین دلیل است که این کشور هرگونه انتقال قدرت در سوریه را تنها در صورتی می‌پذیرد که خود در آن نقش داشته و آینده حضورش در این کشور را تضمین نماید (نجات و جعفریولدانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵) تا از این طریق ضمن جلوگیری از فروپاشی محور مقاومت اسلامی، به ایجاد نظم مطلوب جمهوری اسلامی و بازیگران متحد خود در منطقه کمک نماید.

دونالد ترامپ در دیدار مه ۲۰۱۷ با ملک سلمان «بزرگ‌ترین قرارداد تسلیحاتی جهان» را با عربستان امضا کرد. ارزش این قرارداد که تاکنون در سطح قراردادهای تسلیحاتی جهان نمونه نداشته است، ۱۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است (روزنامه کیهان، ۱۳۹۶: ۴). انعقاد این قراردادها



هم‌زمان با اولین سفر خارجی دونالد ترامپ به عربستان حاکی از اولویت مسائل تجاری و اقتصادی در نزد دولت ترامپ است. صحبت‌های ضدایرانی پادشاه عربستان و دونالد ترامپ در دیدارهای رسمی در عربستان حاکی از تکرار سیاست‌های دیرینه دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و به نفع ریاض است. از سوی دیگر قرار است این توافق در مدت ۱۰ سال برای کمک به افزایش توان دفاعی عربستان به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد که عمده هدف آن افزایش توان دفاعی عربستان در برابر قدرت منطقه‌ای ایران است که این امر در حقیقت مسائل منطقه بخصوص بحران سوریه و یمن را نیز در بر می‌گیرد و این خود می‌تواند بر هر چه پیچیده‌تر شدن بحران در این کشورها بیفزاید (میرحسینی، ۱۳۹۶: ۵) که این اقدام آمریکا می‌تواند دورنمای روند صلح خاورمیانه را تیره‌و تار کند. یکی از اولویت‌های ایران در مورد سوریه، از ابتدای انقلاب اسلامی ایران، مسائل سیاسی و توازن قدرت منطقه‌ای بوده است. در جریان بحران سوریه قدرت‌های رقیب ایران در خاورمیانه همانند ترکیه و عربستان سعودی نسبت به وضعیت موجود ناراضی و خواهان تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای می‌باشند. در واقع اتحاد این بازیگران در مورد سوریه برای تضعیف اتحاد مقابل می‌باشد. این بازیگران سعی دارند سوریه را که یکی از متحدان کلیدی ایران در منطقه است و پل ارتباطی با گروه‌های مقاومت حزب‌الله و حماس هم هست، از ایران جدا کنند و با این کار موازنه منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهند (نجات، ۱۳۹۳: ۷۴) و نقش تعیین‌کننده جمهوری اسلامی را در معادلات منطقه‌ای کمرنگ کنند و زمینه تضعیف و انزوای آن را در سطح منطقه فراهم کنند.

عربستان سعودی فاقد ظرفیت نظامی برای مداخله مستقیم در سوریه است. از اینرو از ثروت نفتی خود برای تجهیز نظامی شورشیان سوری استفاده کرده تا در صورت سقوط اسد اطمینان یابد که جایگزینش یک دولت سنی با روابط دوستانه است (Giokaris, 2013:2). بر همین اساس برای اولین بار در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ اولین محموله سلاح عربستان سعودی در مرز ترکیه با سوریه به دست مخالفان سوری رسید (Phillips, 2015:4). بنابراین عربستان با حمایت از معارضان اسد و در پیوند با متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اش تلاش‌هایش را برای سرنگونی بشار اسد به کار گرفته است تا از این طریق ضمن کاهش قدرت محور مقاومت، نقش و تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران را در منطقه به حداقل برساند و از توان بازیگری آن در شکل‌گیری معادلات و نظم منطقه‌ای بکاهد و از طرفی منطبق نفوذ خود را در کنار مرزهای ایران و در قلب محور مقاومت گسترش دهد. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند، که زمانی سوریه مورد فشارهای همه‌جانبه قرار گرفت که محور میانه‌رو به این باور رسید که راه ایران از سوریه می‌گذرد (Cathail: 2011) و این به معنای آن است که یکی از اهداف اصلی مقابله با دولت کنونی سوریه، جلوگیری از بسط نفوذ ایدئولوژیکی منطقه‌ای جمهوری اسلامی و



مهار ایران شیعی است. ایران در طی دوران بحران، کمک‌های همه‌جانبه‌ای به متحد راهبردی خود (سوریه) گسیل داشته است. کمک‌های ایران به حکومت سوریه را باید شامل موارد ذیل دانست: ۱- نفت و کمک‌های مالی ۲- حمایت و پشتیبانی اطلاعاتی ۳- کمک‌های تسلیحاتی و ارائه تجهیزات نظامی ۴- فرستادن متخصصان و افسران فنی به سوریه جهت آموزش نیروهای ارتش این کشور ۶- تشکیل و آموزش شبه‌نظامیانی چون جیش‌الشعبیه مطابق راهبرد دفاعی - نظامی خود در سوریه (The Clarion Project, 2014: 11). رهبر ایران درگیری‌های داخلی سوریه را موضوعی سیاه و سفید می‌بیند. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران، معتقد است: «رژیم سوریه بخش مهمی از محور مقاومت در برابر اسرائیل و خط مقدم مبارزه ایران با آمریکا است». برخی از مقامات رسمی ایران به موضوع حمایت بی‌حد و حصر تهران از رژیم اسد به دیده تردید نگریسته‌اند، اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران حمایت همه‌جانبه را اتخاذ کرده است (حشمت‌سنا، ۱۳۹۵: ۵).

از دیدگاه نظریه پردازن مدل بازیگر عقلایی، بازیگران (از قبیل تصمیم‌گیرندگان) بر حسب ترجیحات و ارزش‌های شخصی‌شان به زعم خود بهترین انتخاب‌ها را برای دستیابی به اهداف و منافع ملی خود برمی‌گزینند و از این طریق به حداکثر سود مورد نظر نایل می‌شود. در این رابطه باید گفت جمهوری اسلامی ایران سیاست حفظ منافع استراتژیک در پرتو روابط با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و گروه‌های اسلامی نظیر حزب‌الله و حماس که در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه نقش و ویژه‌ای ایفا می‌نمایند را در رویکرد سیاست خارجی دنبال نمود و از آنجا که سوریه از جمله کشورهای استراتژیکی است که نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد، به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با دقت و حساسیت ویژه‌ای تحولات سوریه را دنبال نموده و به عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه‌ای، تلاش نموده که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور و نیز حفظ منافع ملی و منطقه‌ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید (عسگرخانی و عبدالسلام، ۱۳۹۵: ۲۱) و از سقوط سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است جلوگیری کند تا از این طریق ضمن سلب نمودن طرح‌ها و سناریوهای غرب و متحدان منطقه‌ای آن، از فروپاشی حلقه‌های محور مقاومت در منطقه ممانعت ورزد که این خود می‌تواند به تضمین و تأمین منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران و متحدان آن در منطقه کمک کند. ایران و متحدانش بطور فزاینده‌ای وضعیت سوریه را بعنوان یک بازی با حاصل جمع صفر می‌بینند، ترس از خلع حزب بعث می‌تواند راه را برای ظهور رژیم جدید در دمشق هموار کند که نسبت به تهران خصومت ورزد. در نتیجه رهبری ایران تصمیمی استراتژیک گرفت که به طور کامل از اسد با فراهم کردن تسلیحات، نفت و کمک‌های مالی حمایت نماید (Goodarzi, 2013: 21). از اینرو، تهران در صدد گستراندن چتر حمایتی فراگیر در سوریه برآمده است و اجازه موفقیت طرح‌ها و سناریوهای بازیگران منطقه‌ای



و بین‌المللی برای سرنگونی حکومت سوریه را نمی‌دهد و با حمایت‌های مختلف مالی، سیاسی و مستشاری از رژیم اسد نقش قابل توجهی در عدم سقوط نظام سیاسی سوریه ایفا کرده است. افزایش توان بازیگری ایران در تحولات منطقه و تأثیرگذاری غیرقابل انکار این کشور به عنوان رقیب سنتی عربستان در بحران‌های غرب آسیا نظیر عراق، سوریه و یمن سبب شده است تا عربستان سعودی به دنبال تجدید قوا و تعدد بخشیدن به ابزارهای مالی و سیاسی خود در راستای ممانعت از گسترش قدرت منطقه‌ای ایران از یکسو و حفظ جایگاه خود به عنوان یک بازیگر مؤثر و الهام‌بخش در منطقه باشد. در حوزه مالی عربستان سعودی سعی بر انجام پروژه‌ها و اصلاحات اقتصادی در قالب سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ دارد و در بعد سیاسی نیز ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی و تشدید فشارهای بین‌المللی بر توان موشکی ایران را مدنظر قرار داده است (شمسی، ۱۳۹۶: ۵) تا از این طریق ضمن تضعیف محور مقاومت، از توان و نفوذ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بکاهد و به تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های محور غربی-عربی کمک کند.

پیروزی‌های جبهه مقاومت چه در عراق و چه در سوریه نویدبخش آن است که در آینده‌ای نزدیک بتوان از نابودی گروه تروریستی داعش سخن به میان آورد. حزب‌الله به عنوان اصلی‌ترین هم‌پیمان منطقه‌ای ایران امروزه به گونه‌ای در منطقه عمل می‌کند که به راحتی می‌تواند رژیم اسرائیل را به عنوان دشمن اصلی تهران تهدید کند. نفوذ راهبردی ایران در منطقه خاورمیانه به قدری گسترش یافته که اسرائیل به عنوان دشمن اصلی تهران مجبور شد از روسیه بخواهد از حمایت بیشتر از ایران در سوریه دست بردارد. ایران می‌تواند از مناطق مرزی لبنان و سوریه امنیت اسرائیل را تهدید کند. از طرف دیگر، نیروهای طرفدار بشار اسد نیز با کمک حزب‌الله لبنان توانستند ضمن پیشروی به سمت شرق سوریه خود را به نیروهای مقاومت شیعه عراقی مورد حمایت تهران برسانند. با پایان حضور جدی گروه موسوم به داعش در عراق و سوریه، ایران می‌تواند موقعیت خود را در ایجاد یک مسیر امن از عراق به سوی سوریه تا لبنان فراهم و به موفقیت‌های راهبردی در منطقه دست یابد. گسترش نفوذ ایران در منطقه موجب شد تا دولت ترکیه برای نخستین بار بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ایران که به سرنگونی رژیم شاه انجامید، از بالاترین سطح هیئت نظامی این کشور میزبانی کند (عابدی گناباد، ۱۳۹۶: ۱) و راجع به مسائل منطقه با جمهوری اسلامی ایران وارد بحث و گفت‌وگو شود و برای حل بحران سیاسی در سوریه راهکارهای مسالمت‌آمیز را مطرح کند. نابودی تمامی مسلمانان و اقلیت‌های غیرمسلمان در خاورمیانه، هدفی است که رهبران داعش به دنبال آن هستند. آنچه که در مواضع داعش به نظر می‌آید این است که هدف اول شیعیان هستند که عمدتاً در ایران، عراق و بحرین اقامت دارند (Rashid, 2014: 25). داعش با ایجاد دولت اسلامی به منزله سدی در برابر نفوذ ایران عمل می‌کند (Adams, 2014: 3-4). همچنین داعش می‌تواند خطری برای تمامیت ارضی ایران به حساب آید، زیرا داعش در اندیشه ایجاد خلافت است و ایجاد خلافت مستلزم ادغام کشورهای



منطقه در یک کشور است. آنها می توانند با حمله به مرزهای ایران و مکان‌های مقدس شیعی و همچنین، با اعمال عملیات تروریستی در داخل تهدیدات امنیتی بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورند. چنان که در خرداد ماه ۱۳۹۶ با حمله به مجلس و همچنین حرم مطهر امام خمینی (ره)، باعث شهید و مجروح کردن عده‌ای از هموطنان مان شد. در این بین جمهوری اسلامی به حمایت از نظام شیعی در عراق و اسد در سوریه پرداخت (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۴) و در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ مواضع داعش در استان دیرالزور<sup>۱</sup>، واقع در شرق سوریه را هدف حمله موشکی قرار داد. بنابراین، لازم است که ایران حتی با ابزار نظامی از اعضای محور مقاومت حمایت به عمل آورد. ایران با این اقدام می‌تواند همچنان نفوذ منطقه‌ای خود را حفظ و به تقویت هر چه بیشتر محور مقاومت منطقه بپردازد.



نقشه شماره ۱: حمله پهبادی سپاه پاسداران به کاروان‌های داعش در جنوب سوریه (مشرق نیوز، ۱۰/۶/۱۳۹۶)

مساله مهم دیگر که بی‌ارتباط با سوریه نیست، مساله احتمال تشدید تقابل بین اسرائیل و ایران در جبهه سوریه است. مقامات تل‌آویو در ماه‌های گذشته بارها نسبت به احتمال ایجاد پایگاه نظامی جدید از سوی ایران در سوریه هشدار داده و تاکید کرده‌اند که اجازه استفاده از سوریه به عنوان پایگاهی برای ایران را نخواهند داد. این موضوع بالقوه می‌تواند در ماه‌های آتی بر دامنه تنش‌های منطقه‌ای بیفزاید (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶: ۳) و منطقه را آستان آغاز یک دوره جدید از خصومت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای برای پر کردن خلأهای کنونی و رقابت تثبیت حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در نقاط مواجهه با بی‌ثباتی کند.

در خصوص جایگاه و نقش روسیه در تحولات سوریه نیز باید گفت که علیرغم همکاری روسیه



و ایران در مقابله با تهدید داعش در سوریه، اما در دراز مدت ممکن است برخی اختلافات میان دو کشور ظاهر شود که از مهمترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: نخست، روسیه، سوریه را پایگاه اصلی نفوذ خود در مدیترانه می‌داند. لذا دولت روسیه تا جایی حاضر به قبول حضور ایران در سوریه است که بر منافعش ضرری وارد نگردد. به عبارت دیگر روسیه، ایران را در سوریه یک رقیب می‌داند. دوم، روسیه در منطقه رابطه نزدیکی با رژیم اشغالگر قدس دارد. لذا طبیعی است که در برخی موارد به گونه‌ای عمل کند که امنیت این رژیم تأمین گردد. لذا در چنین وضعیتی ممکن است تصمیماتی اتخاذ کند که خیلی خوشایند جمهوری اسلامی ایران نباشد. چنانچه در خصوص تداوم حضور ایران و گروه‌های مقاومت در جولان و در همسایگی رژیم اشغالگر قدس چنین سیاستی را می‌توان مشاهده کرد که روسیه به صورت ضمنی خواهان تضمین امنیت اسرائیل است (امیراحمدیان، ۱۳۹۷: ۳). سوم، روسیه خود را به عنوان یک کشور اروپایی می‌داند و همیشه سعی می‌کند از کارت آسیا در دیپلماسی خود در برابر غرب بازی کند. لذا جمهوری اسلامی ایران باید بسیار دقت کند که در جریان پساداعش در سوریه و جریان انتقال قدرت، روسیه بر سر سوریه با غرب به ویژه آمریکا و حتی ترکیه معامله نکند (امیراحمدیان، ۱۳۹۶: ۲). به عبارت دیگر ایران باید این نکته را مدنظر قرار دهد که ممکن است روسیه در قبال امتیاز گرفتن از غرب به ویژه در قبال بحران کریمه حاضر به قبول کاهش نقش ایران در سوریه باشد، کما اینکه در موضوع نفت حاضر به همسویی با عربستان در اجلاس اخیر اوپک برای افزایش سقف تولید نفت گردید.

در نهایت می‌توان گفت در راستای تقویت "عمق استراتژیک" و با توجه به تضعیف روزافزون داعش، به نظر می‌رسد تهران به دنبال یک جاپای نظامی و پشتیبانی در نواحی جنوب غربی سوریه و نزدیکی بلندی‌های جولان است. چنین گامی در صورت تحقق، ایران را قادر می‌سازد جبهه جدیدی علیه اسرائیل در شمال شرقی آن گشوده و با تکیه بر حزب‌الله در جنوب لبنان، منطقه فراخی از شمال اسرائیل را به شکل گازانبری تحت محاصره قرار دهد. این راهبرد همچنین می‌تواند کاهش بالقوه نفوذ جمهوری اسلامی در نوار غزه - با توجه به طرح اتحاد حماس و فتح - و بهره‌برداری از آن به عنوان سکویی برای مقابله با اسرائیل در صورت وقوع جنگ را تا حدی جبران کند (پایگاه خبری تحلیلی پایشگر، ۱۳۹۶: ۵). پرواضح است که استراتژی کلان تهران پس از بیرون راندن داعش، حضور همه‌جانبه در سوریه و نگه داشتن آن در محور متحدان خود است، محوری که پایداری آن عمق استراتژیک جمهوری اسلامی را تضمین کرده و چه بسا منافع اقتصادی قابل توجهی نیز در کنار منافع نظامی و اطلاعاتی در منطقه برای آن در پی داشته باشد.



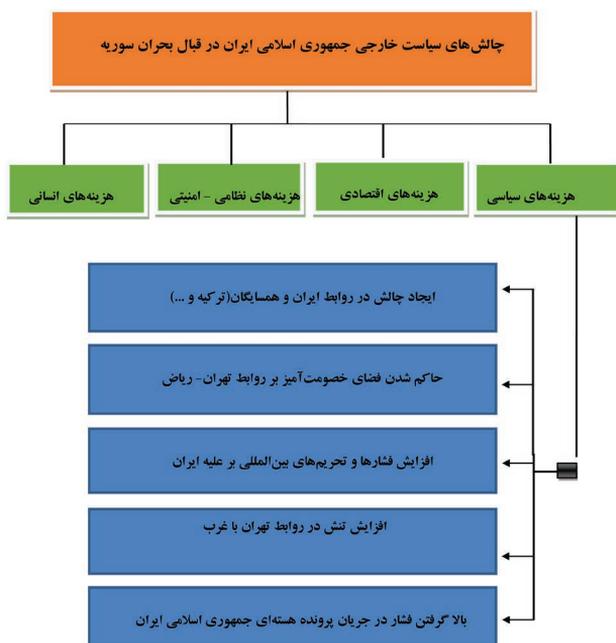
## ۷. چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی ایران در قبال تحولات سوریه

بازیگری ایران در بحران سوریه تهدیدات و چالش‌هایی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی دارد و این تحولات ابعاد مختلف امنیت ملی کشور در ابعاد سرزمینی، جامعه، و نظام سیاسی را متأثر می‌سازد. نحوه برخورد حکومت سوریه با اعتراض‌هایی که بار اصلی آن به دوش مناطق سنی‌نشین این کشور است، شکاف شیعه و سنی را در منطقه تشدید کرده است. حکومت علوی - سکولار سوریه در حالی با حلقه‌ای از متحدان شیعه خود از ایران تا عراق و لبنان حمایت می‌شود که متهم است اکثریت سنی این کشور را سرکوب می‌کند. این نکته‌ای بوده است که عربستان و برخی محافل مذهبی تندرو در منطقه بر روی آن مانور داده و ایران را به همدستی با سوریه متهم می‌کنند (عطایی، ۱۳۹۰: ۲). همچنین، این بحران به گسترش تنش قومی - فرقه‌ای در منطقه و تشدید اختلافات راهبردی ایران با بسیاری از بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان منجر شده است، به گونه‌ای که هر رخداد کوچکی در روابط ایران با این کشورها و به ویژه با عربستان، به سرعت به یک بحران تبدیل می‌شود (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

وقوع هر بحران در نزدیکی مرزهای یک کشور، بزرگترین چالشی است که گریبانگیر آن کشور خواهد شد، خاصه آنکه از نوع شدید و با بن‌مایه تروریسم و افراط‌گرایی باشد. حراست از امنیت و منافع ملی کشور، موجب شده تا نیاز باشد که هزینه‌های نظامی و اقتصادی، برای جنگیدن و دفاع از مرزها و مناطقی که برای ایران مهم است، در نظر گرفته شود. این هزینه‌ها با طولانی شدن بحران و نیز لزوم دفاع از متحدین ایران بیشتر می‌شود. هزینه‌های معنوی ناشی از شهادت نیروهای ایرانی را نیز باید به این هزینه‌ها افزود (احمدی، ۱۳۹۴: ۳). با شروع بحران در سوریه، روابط نظامی و امنیتی سوریه و ایران بیشتر شده است. سپاه پاسداران ایران، که مهم‌ترین و قدرتمندترین حامی حزب‌الله در ایران محسوب می‌شود، حمایت خود از حکومت بشار اسد را افزایش داد، آن‌ها نیروهای نظامی و امنیتی کلیدی سوریه را آموزش دادند و به این کشور کمک کردند تا توانایی نظامی خود را گسترش دهد (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۹). رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی ایران از نظام سیاسی حاکم در سوریه تأثیرات مهمی در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی در پی داشته است و با افزایش فشارهای بین‌المللی بر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران همراه بوده است که در این رابطه، مناسبات تهران با غرب به سردی گرایید و تنش و تیرگی روابط فیما بین رافرا گرفت. یکی از اقداماتی که واکنشگتن نباید انجام دهد این است که مذاکرات هسته‌ای را به پرونده سوریه گره بزند. این دو موضوع از هم جدا هستند و باید آنها را به طور جداگانه پیگیری کرد. در همین حال، این دو روند مکمل یکدیگر هستند. در صورتی که ایالات متحده بتواند توافق هسته‌ای را با ایران رقم بزند و روابط خود را با تهران بهبود ببخشد، ایران نیز باید هزینه - فایده‌ها در بحران سوریه و لبنان را مورد بازبینی مجدد قرار دهد (ایران بازگو، ۱۳۹۲: ۴). دونالد ترامپ و تیم امنیت ملی او بر این باور هستند که سیاست‌های او با مانع تنها ایران را ضعیف نکرده، بلکه باعث شده که ایران



قوی تر و با نفوذتر از دوران پیش از اعمال تحریم‌ها در سال ۲۰۰۹ شود. آن‌ها معتقدند ایران طی این مدت توانسته است در سوریه، عراق، یمن و دیگر مناطق نفوذ گسترده‌ای پیدا کند و هم‌اکنون از بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی فلج‌کننده پیشین که بر اقتصادش اعمال شده بود و این کشور را از جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی خود ناامید کرده بود، رهایی یافته است. بر این اساس، ترامپ راهبرد تهاجمی تری در برابر رفتارهای ایران در منطقه در پیش گرفت. جیمز ماتیس وزیر دفاع ترامپ در این باره معتقد است که سازوکارهای ناکافی در موافقت‌نامه برجام، ما را به سمت رویکردی تهاجمی تر به سوی ایران رهنمون می‌کند (Maloney, 2017:10). هدف راهبردی ترامپ مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش فشار بر تهران برای مهار برنامه موشکی بالستیک آن و همچنین مقابله با حمایت ایران از گروه‌های شبه نظامی در منطقه و نیز برخورد با آنچه جاسوسی سایبری ایران، نامیده می‌شود است. از دید آمریکا نیات ایران در منطقه، تأمین مسائل مالی و حمایت از تروریسم و بی‌ثبات‌سازی منطقه، به‌ویژه عراق، سوریه و یمن است (Reuters, 2017:9). هرچند که ترامپ با محدودیت توانایی اجماع‌سازی در بین شرکای اروپایی و چین و روسیه مواجه شده است، اما در ۸ مه ۲۰۱۸ به طور یکجانبه از توافقنامه برجام خارج شد و تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران وضع نمود.



(منبع: نگارندگان)



درگیر شدن جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه نیز فرصت‌هایی را برای این کشور خلق کرده است. حمایت همه‌جانبه ایران از حکومت سوریه این تلقی را بین کشورهای منطقه ایجاد کرده که ایران متحد قابل اعتمادی است که در هر شرایطی متحدین خود را تنها نمی‌گذارد. رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحولات عراق، یمن و بحرین این موضوع را تقویت می‌کند. نوع بازیگری جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه باعث شده تا جناح رقیب اگرچه از لحاظ توان مالی و نظامی برتری محسوس‌تری دارد، اما در حالت انفعالی قرار بگیرد. مهمترین بازوی جناح مخالف، گروه‌ها و جریان‌های تکفیری نظیر داعش و جبهه‌النصره است که با توجه به جنایات بی‌شماری که در سوریه و عراق مرتکب شده‌اند تنفر افکار عمومی جهان را برانگیخته‌اند و هم‌اکنون به تهدیدی برای حامیان‌شان نیز تبدیل شده‌اند. (میرزاده کوه‌شاهی، ۱۳۹۳: ۱۸۱). به نظر می‌رسد علاوه بر تداوم و حفظ رابطه با گروه‌های هم‌پیمان، حمایت ایران از دولت سوریه در مقابل مخالفان، فرصت‌های دیگری نیز برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به برتری ایران در منطقه در چارچوب موازنه قوا با رقبای منطقه‌ای خود به ویژه عربستان سعودی، افزایش قدرت نرم این کشور در منطقه، دور کردن تهدید از مرزهای خود و کشاندن تهدید به پشت مرزهای رژیم اشغالگر قدس و مهمتر از همه بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای خود به عنوان عاملی مهم در دیپلماسی و تحولات بین‌المللی اشاره کرد.

در این رابطه باید گفت، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب مواضع اصولی و تلاش‌های دیپلماتیک خود برای برقراری ثبات و آرامش در منطقه و سوریه از هر رویکردی که مانع جنگ و درگیری شود و گفتگوهای سوری - سوری را تقویت کند حمایت کرده، طرح‌های مختلفی را برای حل بحران سوریه به شیوه سیاسی ارائه داده است. طرح‌هایی که در آنها هم اصول سیاست خارجی کشور مدنظر قرار گرفته و هم راه‌حلی عملی در آن برای حل بحران سوریه وجود دارد (امیرعبداللّه‌هیان، ۱۳۹۲: ۲۰۷). در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ رؤسای جمهوری سه کشور ایران، ترکیه، و روسیه طی یک نشست مهم در «سوچی» روسیه، دیدار و گفتگو کردند. بازگرداندن حاکمیت سوریه، راه‌اندازی گفت‌وگوها بین نیروهای مختلف سیاسی سوری و به پایان رساندن عملیات ضد تروریستی در این کشور از محورهای این نشست بود. دیدار وزرای امور خارجه و رؤسای ستاد نیروهای مسلح روسیه، ایران و ترکیه نیز تقریباً به طور همزمان صورت گرفت و پیش از آن نیز «ولادیمیر پوتین» با سران تعدادی از کشورهای منطقه مذاکرات تلفنی انجام داد. با توجه به افزایش اختلاف میان «آنکارا» از یک سو و «واشنگتن» و «بروکسل» از سوی دیگر، اهمیت نزدیکی هرچه بیشتر ترکیه به ائتلاف در حال شکل‌گیری روسیه و ایران افزایش یافته و به نظر می‌رسد باید امکان خروج ترکیه از «اناتو» نیز در نظر گرفته



شود (ایران شرقی، ۱۳۹۶: ۲). از اینرو، جمهوری اسلامی با هر گونه اقدام که باعث از دست رفتن متحد استراتژیک خود در منطقه شود مخالفت می‌ورزد و همچنان درهای خود را به روی کشورهای منطقه برای گفتگو جهت یافتن راه‌حلی برای توقف خونریزی‌ها در سوریه و دور کردن دخالت‌های غرب در این کشور باز گذاشته است.

## ۸. نتیجه

با شروع امواج اعتراضات در پاره‌ای از کشورهای خاورمیانه که موسوم به بهار عربی است و گاهی از آن در معنای وسیع‌تر به بیداری اسلامی نیز تعبیر می‌شود، اوضاع سیاسی سوریه نیز متلاطم گردید. اما ناآرامی‌های این کشور از نوع خیزش‌های مردمی و بیداری اسلامی نبوده و تشدید بحران در این کشور تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی بوده‌است که این خود نیز بر پیچیدگی اوضاع افزوده است. چشم‌انداز سقوط دولت اسد برای جمهوری اسلامی ایران نگران‌کننده است و از اینرو تضعیف سوریه و سرنگونی اسد باعث تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار و انزوای آن در منطقه می‌شود.

بر اساس نظریه‌گزینه‌های عقلایی، کنشگر بر اساس منافع خود تصمیم‌گیری می‌کند و از میان راه‌حل‌های موجود نیز راه‌حلی را انتخاب می‌کند که بالاترین نتیجه دلخواه با کمترین هزینه را داشته باشد. در خصوص حمایت ایران از سوریه در قبال بحران داخلی این کشور، نیز جمهوری اسلامی ایران از آنجا که سوریه را عمق استراتژیک خود در منطقه می‌داند و مرکز ثقل سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در حوزه غرب آسیا می‌باشد تصمیم به حمایت از دولت اسد گرفت. حفظ و توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران، تداوم تماس با حزب الله و گروه‌های جهادی فلسطین، دور کردن تهدید امنیتی رژیم اشغالگر قدس و تمرکز تهدید در کنار مرزهای آن، بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای به عنوان پشتوانه‌ای در صحنه دیپلماتیک و مهم‌تر از همه تداوم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه منوط به بقای رژیم سوریه و تداوم نفوذ ایران در این کشور می‌باشد. لذا بر اساس چنین تحلیلی حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه به منزله تأمین منافع ملی به ویژه تأمین امنیت برای نظام جمهوری اسلامی ایران است. نکته حائز اهمیت اینکه هر یک از سناریوهای شکست دولت سوریه یا پیروزی آن بر مخالفین و یا تداوم این بحران و در نهایت تجزیه سوریه می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی بسیار مهمی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و منافع منطقه‌ای آن در برداشته باشد. با این توضیحات مبرهن است که تداوم حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه و حکومت فعلی در راستای منافع ملی ایران می‌باشد و در این مسیر جمهوری اسلامی ایران در حمایت از



سوریه هیچ گاه سستی به خرج نداده و آگاه است که هرگونه مماشات در این موضوع خلاف منافع مادی و معنوی ایران اسلامی بوده و می تواند ضربات جبران ناپذیری را به امنیت و منافع این کشور وارد نماید. در سطح منطقه‌ای و حوزه نظامی، نیز رژیم صهیونیستی و عربستان دولت ترامپ را تشویق می کنند که نسبت به ایران مواضع تندتری داشته باشد و حتی او را تشویق به حمله به ایران می کنند. آزمایش موشکی، انتقال سلاح به یمن و سوریه و درگیری‌های نظامی محدود در خلیج فارس زمینه‌های اقدامات تندتر ترامپ علیه ایران در حوزه نظامی به شمار می آیند. در شرایطی که رژیم عربستان سعودی با تمام قوا مترصد فضا سازی و اعمال فشار بر ایران و عناصر قدرت منطقه‌ای آن است که اتفاق‌هایی مانند بحران سیاسی اخیر در لبنان و طرح اتهام علیه حزب الله لبنان و ایران با ادعای مداخله در امور آنچه سعودی‌ها هویت ملی عربی می خوانند و می خواهند رهبری خود را بر این هویت تحمیل کنند و حتی سطح تحریک کننده‌گی را تا حد تهدید ایران و القای برخورد محتمل میان جبهه عربی و تهران ارتقا داده هماهنگی میان محور مقاومت و ائتلاف سه گانه ایران، روسیه و ترکیه در مدیریت پساداعش در سوریه و حتی عراق بسیار پر اهمیت است. از هماکنون آثار این تحولات جدید در منطقه و مدیریت میدانی ایران و حالا دیپلماسی فشرده تهران آثار خود را نمایان کرده است. توافق سوچی، حضور بشار اسد در روسیه پیش از این نشست، بازگشت سعد حریری به لبنان و انصراف از استعفای برنامه‌ریزی شده‌اش در ریاض و ائتلاف نظامی مثلث مبارزه با تروریسم تنها طلوعه رخدادهای جدید در منطقه هستند که این خود می تواند بر نفوذ و توان محور مقاومت و در رأس آن، جمهوری اسلامی ایران در منطقه بیفزاید. در خصوص گروه‌های مقاومت نیز باید گفت آینده این گروه‌ها تا اندازه زیادی به شرایط در منطقه به ویژه در سوریه، عراق و لبنان وابسته است. حزب الله لبنان از محبوبیت مردمی برخوردار است و دیگر حذف شدنی نیست، اما در عراق و سوریه نقش این گروه و دیگر گروه‌های مقاومت وابسته به دولت‌های آینده در این کشورهاست. در سوریه تحولات باید به گونه‌ای شکل بگیرد که رژیم آینده سوریه نه تنها خود به حمایت از گروه‌های مقاومت ادامه دهد، بلکه امکان تداوم همکاری این گروه‌ها با متحدین منطقه‌ای خود به ویژه جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند. در عراق نیز حشد الشعبی باید با رویکردی عقلایی سعی کند شبیه به حزب الله وجهه مردمی خود را حفظ و به عنوان حافظ منافع ملی باشد. لذا باید گفت چشم‌انداز تداوم حیات گروه‌های مقاومت و نقش آفرینی آنها در منطقه تا اندازه زیادی مشروط به تحولات منطقه و به ویژه تداوم نفوذ ایران و مقابله با دیپلماسی رقبای به ویژه محور عربی - اسرائیلی - آمریکایی می باشد.



## منابع

### الف - فارسی

- احمدی، سیده‌السادات (۱۳۹۴/۱۰/۶)، «فرصت‌ها و چالش‌های ایران در بحران خاورمیانه، سایت تحلیلی - خبری الوقت، بر گرفته از سایت: <http://alwaght.com/fa/News/23853>
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم شماره ۵»
- امیراحمدیان، بهرام «منافع روسیه مهم‌تر از دیگران»، **روزنامه شرق**، شماره ۳۰۷۵ به تاریخ ۹۶/۱۱/۱۱، صفحه اول.
- امیراحمدیان، بهرام «روسیه از ایران و برجام چه می‌خواهد؟»، **روزنامه شرق**، شماره ۳۱۶۰، ۹۷/۳/۸، صفحه اول.
- امیر عبداللهیان، حسین (۱۳۹۲)، **ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی**، تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر،
- «اهداف بلند مدت ایران در سوریه»، **پایگاه خبری - تحلیلی پایشگر**، ۱۳۹۶/۸/۱۲، آدرس اینترنتی: <http://paishgar.ir:> بینام (۱۳۸۷)، **کتاب سبز سوریه**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- «پایان داعش و آغاز دور جدید خصومت‌های منطقه‌ای»، **روزنامه دنیای اقتصاد**، ۱۳۹۶/۸/۳۰، شماره روزنامه ۴۲۵۱.
- «ترامپ دوشیدن دیکتاتورهای عرب را رسماً کلید زد/امضای قرارداد ۵۰۰ میلیارد دلاری با عربستان»، **روزنامه کیهان**، ۱۳۹۶/۲/۳۱، آدرس اینترنتی: <http://kayhan.ir/fa/news/104518>
- حشمت‌سنا، علی (۱۳۹۵/۲۰/۲۰)، «حمایت ایران از سوریه و تاثیرات آن بر خاورمیانه»، **فلسفی - سیاسی و تاریخی**، قابل دسترسی در: <http://ali-hashmat-sana.blogfa.com/1395/02>
- ذوالفقاری، مهدی و ابوذر عمرانی (۱۳۹۶)، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۸۹-۱۶۳.
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱)، «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی با نیم‌نگاهی به تحولات اخیر در سوریه»، **فصلنامه پانزده خرداد**، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- سراج‌رضا (۱۳۹۰)، **نگاهی به تحولات سوریه**، تهران: پایگاه تحلیلی و تبیینی برهان.
- سیمبر، رضا و روحانته قاسمیان (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال سوم، شماره ۹، شریفیان، جمشید و اباصلت کبیری و علیرضا طحانمنش (۱۳۹۱)، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، **فصلنامه امنیت‌پژوهی**، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۱۸۴-۱۳۹.
- شمسی، بهمن «رویکردهای مؤثر بر تحولات اخیر عربستان»، **مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام**، ۱۳۹۶/۹/۲۰، قابل دسترسی در سایت: <http://www.islamic-world.ir/islam-world/islam-world-notes-and-papers/920>
- صادقی، سید شمس‌الدین و کامران لطفی (۱۳۹۴)، «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، **جستارهای سیاسی معاصر**، سال ششم، شماره اول، صص ۱۴۴-۱۲۳.
- ظهوریان، میثم (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر کلاف سردرگم ناآرامی‌های سوریه و چالش‌های حکومت اسد»، **تریبون مستضعفین**، قابل دسترسی در: <http://www.teribon.ir/archives/53099>
- عابدی‌گناباد، رضا «نگاهی به جایگاه منطقه‌ای ایران در دوران پساداعش»، **خبرگزاری تسنیم**، ۱۳۹۶/۹/۲۶،



آدرس اینترنتی: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/26/1602789>  
 عسگرخانی، ابو محمد و تقی عبدالسلام (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال دوازدهم، شماره سی و هفتم، صص ۴۰-۷.

عطایی، محمد (۱۳۹۰/۶/۶)، «ایران و پیامدهای بحران در سوریه»، **دیپلماسی ایرانی**، شهریور، برگرفته از سایت: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/15833>

فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱/۶/۱۳)، «اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران»، **پایگاه بصیرت**، قابل دسترسی در: <http://basirat.ir/fa/news/246813>

کلمن، جیمز سمیونل (۱۳۸۶)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی. «لزوم همکاری آمریکا با ایران در حل بحران سوریه و سناریوهای فراروی آن»، **ایران بازگو**، ۱۳۹۲/۱۲/۲۶، قابل دسترسی در: <http://iranbazgoo.persianblog.ir/post/526>

متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «نقش و راهبرد آمریکا در گسترش نافرمانی مدنی در سوریه»، **فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری**، سال دوم، شماره ۳.

میرحسینی، سید محسن «ناکامی‌های منطقه‌ای عربستان؛ علت تداوم حمله به یمن / آغاز دور جدید رقابت تسلیحاتی در منطقه»، **شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا**، ۱۳۹۶/۳/۴، قابل دسترسی در سایت: <http://www.dana.ir/news/1113102.html>

میرزاده کوه‌شاهی، مهدی (۱۳۹۳)، «استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریوها و پیامدها»، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، پائیز ۹۳، شماره ۱۱.

«نبرد سرنوشت‌ساز جبهه مقاومت و آمریکا در مرزهای مشترک عراق و سوریه / آیار تباطؤ زمینی تهران بیروت-مدیترانه برقرار می‌شود؟»، **مشرق نیوز**، ۱۳۹۶/۶/۱۰، آدرس اینترنتی: <https://www.mashregnews.ir/news/769410>

نجات، علی (۱۳۹۳)، «رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه»، **فصلنامه سیاست**، سال اول، شماره ۴، صص ۶۱-۷۶.

نجات، سیدعلی و اصغر جعفری‌لودانی (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، **فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌های سیاسی**، شماره ۸.

«نشست سوچی؛ دستاوردها و ابهامات»، **ایران شرقی**، ۱۳۹۶/۹/۴، آدرس اینترنتی: <http://easterniran.com/fa/doc/analysis/1076>

نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۰)، **کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب**، چاپ اول، نشر میزان. نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۲)، «بررسی بحران‌های عراق و سوریه در پرتو نظریه‌های امنیتی»، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره ۳.

### ب- عربی

سیل، پاتریک (۱۹۹۲)، **الاسد، الصراع علی الشرق الاوسط**، بیروت: شرکه مطبوعات التوزیع و النشر. ماتسفیلد، پیتر (۱۹۹۵)، **تاریخ مصر الحديثه والشرق والوسط**، ترجمه عبدالحمید فهمی، القاهرة: الهیئه المصریه العامه الکتاب.

### ج- انگلیسی

-Adams, John (July 1, 2014), "The Wider Geopolitical Significance of ISIS", *Chessboard Research*, Retrieved 2017/12/4, from: <http://world Chessboard>.



*worldpress.com.*

- Baroud, Ramzy (November 19, 2011), Syria Uprising Falls Victim to Power Plays. <http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/11/19/syria-uprising-falls-victim-to-power-plays/>.
- Cathail,maidhc (November19,2011),San ctioning Syria. The long road to Damascus.<http://www.forignpolicyjournal.com/2011/11/19Sanctioning-the-long-road-to-damascus/>.
- Clarion Project (2014),”the Islamic State”, **Clarion Project**, <http://www.clarionproject.org/sites/default/files/islamic-state-isis-isil-factsheet-1.pdf>
- Ehteshami, Anoushirvan and RymondA Hinnebush (1997), Syria and Iran middle power in A penetrated Rejinal system, London :Routledge.
- Gelbart, Jonathan (fall, 2010),” Tehran – Syria Axis: a critical investigation” Stand Ford Journal of international Relations.
- Giokaris, John(2013), “Syria Facts:The Complete Guide to All the Global Players Involved in the Syrian”,Conflict in: WWW.Policymic.com/.../ Syria- facts-the- Complete- Guide- to- all- the- global August 29, 2013.
- Goodarzi, Jubin. M (January 2013), Syria and Iran: Allinace Cooperation in a changing regional Environment, ortadoguEtuleri Vol.4.No.2.
- KhoramiAssl,Nima (April 8,2011),Arab spring Syrian Episode.[www.foreignpolicyjournal.com/2011/04/08/Arab-spring-Syrian-episode/](http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/04/08/Arab-spring-Syrian-episode/).
- Maloney, Suzanne (2017) ,”Under Trump, U.S. policy on Iran is moving from accommodation to confrontation”, Retrieved from: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/05/11/under-trump-u-s-policy-on-iran-is-moving-from-accommodation-to-confrontation/>.
- Marshal, Gorden (1998), oxford dictionary of sociology, oxford university pree.
- Nerguizian, Aram (January 10,2013)”U.S-Iranian compration in the levant –II, the proxy war in Egypt, Israel,Jordan, Lebnan the Paletinianterrirories& Syria” csis.
- Phillips, Christopher (2015), Gulf Actors and the Syria Crisis, **Middle East Centre, London School of Economics and Political Science.**
- Rashid, Ahmed (2014), “ISIS: What the US Doesn’t Understand”, *The New York Review of Books*, Retrieved 2018/3/12, Retrieved from, <http://www.nybooks.com/blogs/nyrblog/2014/dec/02/isiswhat>.
- Razi, G. Hossein (1988), “An Alternative Paradigm to State Rationality in Foreign policy”, **Political Research Quarterly**,
- Reuters (2017), “Exclusive: Trump to weigh more aggressive U.S. strategy on Iran- sources”, Retrieved from: exclusive-trump-to-weigh-more-aggressive-u-s-strategy-on-iran-sources-idUSKCN1BM2WJ.
- Wallace, Ruth .A and Alison Wolf (1999), *Contemporary Sociological Theory: Expanding the Classical Tradition*, New Jersey: Prentice Hall.
- Walt , Stephen .M (1999),” Rational Choice and Security Studies”, **International Security**, vol.23, no.4 spring.